

پیش‌بینی قصه‌های عشق و سبک‌های عشق‌ورزی از روی طرحواره‌های ناسازگار اولیه*

♦ مریم کرمی^۱ ♦ دکتر فرشاد محسن‌زاده^۲ ♦ دکتر کیانوش زهراکار^۳

چکیده:

هدف از این پژوهش، پیش‌بینی قصه‌های عشق و سبک‌های عشق‌ورزی براساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه در معلمان متأهل شهر تهران بود. روش پژوهش از نوع توصیفی و همبستگی است. جامعه آماری مورد نظر همه معلمان متأهل آموزش و پرورش مناطق ۲ و ۵ استان تهران بودند که در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ مشغول به تدریس بودند. ۳۰۰ نفر به عنوان نمونه به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابزارهای سنجش شامل پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه یانگ (۲۰۰۵)، مقیاس قصه عشق استرنبرگ (۲۰۰۱) و سبک‌های عشق‌ورزی لی (۱۹۸۶) است. برای تحلیل داده‌های گردآوری شده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. نتایج حاصل از تحلیل آماری نشان داد که میان طرحواره‌های ناسازگار اولیه و قصه‌های عشق و سبک‌های عشق‌ورزی رابطه معنادار وجود دارد. همچنین متغیر طرحواره‌های ناسازگار اولیه قادر به پیش‌بینی قصه‌های عشق و سبک‌های عشق‌ورزی می‌باشد. با توجه به یافته‌ها می‌توان گفت، طرحواره‌ها با تأثیری که بر شکل‌گیری قصه‌های عشق و سبک‌های عشق‌ورزی می‌گذارند، مشخص می‌کنند که چه نوع طرحواره‌هایی در افراد سبب شکل‌گیری چه نوع قصه‌های عشق و سبک‌های عشق‌ورزی در آنها می‌شوند و براساس آن شریک زندگی خود را انتخاب می‌کنند.

کلیدواژگان: طرحواره‌های ناسازگار اولیه، قصه‌های عشق، سبک‌های عشق‌ورزی

© تاریخ دریافت: ۹۸/۰۴/۱۶

© تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۳/۱۵

* این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد است و هیچ ارگان خاصی از آن حمایت مادی و معنوی نکرده است.

۱. (نویسنده مسئول) کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. maryamkarami4@yahoo.com

۲. استادیار گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. farshad.mohsenzadeh@khu.ac.ir

۳. دانشیار گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. dr_zahrakar@khu.ac.ir

مقدمه

روابط عاشقانه یکی از مهم‌ترین روابطی است که انسانها در طول زندگی خود برقرار می‌کنند و انتظار دارند که دوست داشتن و دوست داشته شدن نیاز روانی آنها را تأمین کند. برخی معتقدند که انگاره عشق رمانتیک هنوز پابرجاست و همه در جستجوی همسری هستند که به تصور آنان، آرمان رمانتیک را تحقق بخشد. عشق و محبت از کیفیتی برخوردار است که می‌تواند بسیاری از تنشهای میان زوجین را محو نموده، بر خودمحوریهای آنان سرپوش بگذارد.

یکی از جنبه‌های مهم ازدواج، بررسی مسائل عاطفی است؛ چیزی که تحت عنوان عشق از آن یاد می‌شود (درویش‌زاده و پاشا، ۱۳۸۹). یکی از بزرگ‌ترین مشکلات افراد، ناتوانی در ارضای نیاز خود به عشق است و از همین‌رو با انواع مشکلات دیگر روبه‌رو می‌شوند. عشق ماندگار خود به خود به وجود نمی‌آید، بلکه نیازمند تلاش جدی است (گرینبرگ^۱، ۲۰۱۳؛ ترجمه فیضی، ۱۳۹۳). عشقهای پیش از ازدواج اگر همراه با شناخت باشد برای زندگی بسیار سازنده است، در غیر این صورت، مخرب زندگی است. روابط عاشقانه، از جمله عواملی است که بر سلامت روان و نیز رضایتمندی و تعارضات زوجین اثر مستقیم می‌گذارد (بک^۲، ۱۹۹۴؛ به نقل از آراین‌فر و پورشهریاری، ۱۳۹۶).

استرنبرگ^۳ با انتقاد از نظریه مثلث عشق^۴ در سال ۱۹۹۴ نظریه‌ای جدید تحت عنوان «عشق به‌مثابه قصه»^۵ مطرح کرده است. در این نظریه فرض بر این است که هر فرد گرایش دارد عاشق کسی شود که قصه‌اش با او یکی یا مشابه باشد. اگر از سر اتفاق عاشق کسی شود که قصه‌ای کاملاً متفاوت داشته باشد، آن وقت رابطه آنان و حتی عشقی که زیرساخت این رابطه است، وضعیتی متزلزل پیدا می‌کند (صادقی، احمدی، بهرامی، اعتمادی و پورسید، ۱۳۹۲). استرنبرگ (۲۰۰۱) بر این باور است که با گذشت زمان بی‌تردید قصه‌ها دگرگون می‌شوند، اما به هیچوجه از میان نمی‌روند. ما همواره در حال ایجاد دگرگونی در قصه‌های قدیمی هستیم، قصه‌های تازه ممکن است بهتر باشند یا بدتر (ادیبراد و ادیبراد، ۱۳۸۴). استرنبرگ، حجت و بارنز^۶ (۲۰۰۱) قصه‌های عشق را به پنج گروه اصلی تقسیم کرده و هر گروه را شامل چندین قصه دانسته‌اند. گروه اول) قصه‌های نامتقارن که شامل این قصه‌هاست: (۱) قصه معلم - شاگرد؛ (۲) قصه ایثار و فداکاری؛ (۳) قصه حکومت؛ (۴) قصه پلیسی؛ (۵) قصه زشت‌انگاری (پورنوگرافی)؛ و (۶) قصه وحشت. گروه دوم) قصه‌های موضوعی که نوع اول این قصه‌ها شامل قصه‌های عشق شخص در مقام شی است: (۱) قصه علمی - تخیلی؛ (۲) قصه مجموعه؛ و (۳) قصه هنر. نوع دوم از این گروه شامل قصه‌های عشق رابطه در مقام شی است: (۱) قصه خانه و خانواده؛

1. Greenberg
2. Beck
3. Sternberg
4. Love triangle
5. Love as story
6. Barnes

(۲) قصه بهبودی؛ (۳) قصه دین؛ و (۴) قصه بازی. گروه سوم) قصه‌های مشارکت است که شامل: (۱) قصه سفر؛ (۲) قصه بافندگی و دوزندگی؛ (۳) قصه باغ و باغچه؛ (۴) قصه تجارت؛ و (۵) قصه اعتیاد است. گروه چهارم قصه‌های روایت‌گونه‌اند که شامل: (۱) قصه خیال؛ (۲) قصه تاریخی؛ (۳) قصه علم؛ و (۴) قصه آشپزی است. گروه پنجم) قصه‌های گونه‌ای (ژانر) هستند که شامل: (۱) قصه جنگ؛ (۲) قصه تئاتر؛ (۳) قصه طنز؛ و (۴) قصه معما (مجرد، ۱۳۹۴) هستند. هریک از داستانها مزایا و معایب سازگارانهای دارند. ممکن است داستانی خاص با ابعاد محیط اجتماعی معینی سازگاری بیشتری داشته باشد. سرانجام اینکه داستانها هم علت هستند و هم معلول و همواره با زندگی ما در تعامل‌اند (استرنبرگ و همکاران، ۲۰۰۱؛ به نقل از گراوند و میرزایی، ۱۳۹۶).

میان دیدگاه قصه عشق و سایر دیدگاه‌های موجود در زمینه عشق همپوشی ذاتی وجود دارد. برای مثال، قصه عشق بازی با سبک عشق لودوس سازگاری و همخوانی دارد، قصه خیال مشابه مفاهیم عشق رمانتیک است و غیره (استرنبرگ و همکاران، ۲۰۰۱). محیط تأثیری عمیق بر سبک و روش عشق‌ورزی می‌گذارد (کاکیا، ۱۳۸۹). افراد برای عشق ورزیدن نسبت به همسر خود، از سبکی خاص بهره می‌گیرند و این سبک متأثر از ارتباط متقابل و مداوم میان زن و شوهر و تعبیری است که از محیط زندگی خود دارند (نتو^۱، ۲۰۰۷، به نقل از کریمی، دنیوی، رانجات و کیانی‌مقدم، ۱۳۹۶). سبک‌های عشق‌ورزی اشاره به این امر دارند که چگونه افراد عشق را تعریف می‌کنند یا عشق‌ورزی می‌کنند (صادقی و همکاران، ۱۳۹۲؛ نتو، ۲۰۰۷، به نقل از شکرالله‌زاده و مدنی، ۱۳۹۵). از مهم‌ترین و مورد توجه‌ترین نظریه‌هایی که به تبیین انواع عشق می‌پردازد نظریه مثلثی عشق است که یکی از روانشناسان معاصر به نام استرنبرگ ابداع کرده است. استرنبرگ (ترجمه بهرامی، ۱۳۹۱) در دیدگاه سه‌وجهی خود از عشق شامل صمیمت، هوس (شهوت) و تعهد، بر این باور است که گونه‌های عشق از ترکیب این سه عنصر پدید می‌آیند. به سبب ناتوانی سایر دیدگاه‌ها در تبیین عشق، لی^۲ (۱۹۸۸؛ به نقل از نتو، ۲۰۰۷) سعی کرده تا آن را به شکلی دیگر توصیف کند. او نوعی تیپ‌شناسی معرفی می‌کند که بر شباهت رنگ‌ها استوار است و شش نوع سبک عشق‌ورزی است (موسوی و رضازاده، ۱۳۹۳). سه تیپ عشق اولیه عبارت‌اند از: عشق رمانتیک (اروس)^۳؛ این نوع عشق همراه با میل فیزیکی شدید به معشوق است. عشق بازیگرانه (لودوس)^۴؛ در این شیوه، عشق به مثابه یک تفریح تلقی می‌شود و هیچ تعهدی در آن نیست. عشق دوستانه (استورگ)^۵؛ نوعی از عشق که طی آن صمیمیتی لذت‌بخش به آهستگی رشد و به طرفین گسترش می‌یابد. تیپ‌های ثانویه نیز شامل: عشق شهوانی (مانیا)^۶؛ حالت شدید هیجانی همراه با حسادت و عشق همراه مشغولیت ذهنی.

1. Neto
2. Lee
3. Eros
4. Ludus
5. Storge
6. Mania

عشق واقع‌گرایانه (پراگما)^۱: عشق منطقی که در آن شریک رابطه، براساس نیازهای شخص و همخوانی با سن، مذهب، سوابق و شخصیت انتخاب می‌شود. عشق فداکارانه (آگاهیه)^۲: عشق غیرشرطی، در این نوع عشق خود را فدا کردن وجود دارد (نبوی حصار، عارفی و یوسفی، ۱۳۹۳).

هر یک از زوجین باورهای اصلی (طرحواره‌های ارتباطی) درباره‌ی خود و روابط صمیمی دارند که با خود به رابطه زناشویی می‌آورند. یکی از مؤلفه‌هایی که می‌تواند این قصه‌های عشق و به همراه آن سبک‌های عشق‌ورزی را در زوجین پیش‌بینی کند، طرحواره‌ها^۳ هستند. طرحواره‌ها همانند چارچوبی برای پردازش اطلاعات به کار می‌روند و تعیین‌کننده‌ی واکنش‌های عاطفی افراد نسبت به موقعیت‌های زندگی و روابط میان‌فردی هستند (یانگ^۴، ترجمه صاحبی، حمیدپور و نبوی، ۱۳۸۷). افراد دارای طرحواره‌های ناسازگار ازدواج را به منزله‌ی فرصتی برای جبران ناکامی‌ها می‌دانند و در ازدواج خود توقعاتی سطح بالا دارند که در زندگی مشترک برآورده نمی‌شوند و موجب ناامیدی در روابط و شکست نهایی می‌شوند (دولانگ^۵، ۲۰۰۷؛ به نقل از شریعتمداری، ۱۳۹۳). یانگ در نظریه خود پانزده طرحواره عنوان کرده است که در نتیجه ارضا نشدن ۵ نیاز هیجانی مهم ایجاد می‌شوند (یانگ، ۲۰۰۵). اولین حوزه، حوزه قطع ارتباط و طرد است؛ حوزه دوم، حوزه عملکرد و خودگردانی مختل است؛ حوزه سوم، حوزه محدودیت‌های مختل است؛ حوزه چهارم، حوزه تمرکز بیش از حد فرد بر احساسات و تمایلات دیگران و حوزه پنجم، حوزه گوش‌بزرنگی بیش از حد و بازداري است (یانگ، کلسکو^۶ و ویشار^۷، ۲۰۰۳). زنی که طرحواره اطاعت دارد (طرحواره) ممکن است مردی را برای ازدواج انتخاب کند که سلطه‌گر باشد (قصه عشق). با این کار او نقش یک مطیع و پیرو را بازی می‌کند (قصه عشق) و احساس آرامش دارد و دیدگاه او در مورد خودش به منزله‌ی فردی مطیع تقویت می‌شود (سبک عشق‌ورزی) (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳).

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات افراد، ناتوانی در ارضای نیاز خود به عشق است، از همین‌رو با انواع مشکلات دیگر روبه‌رو می‌شوند. افراد انتظار دارند که ازدواج تا حد امکان نیازهای عاطفی آنها را برآورده‌سازد. زنها می‌خواهند شخصیتی بیش از یک خانه‌دار و یک مادر باشند. مردها هم دیگر نمی‌خواهند فقط در نقش یک جنگنده و یک ماشین کار ظاهر شوند. آنها مترصد مهر و محبت هستند. سیر صعودی آمار طلاق و پیشی گرفتن شمار طلاق نسبت به ازدواج، همچنین وجود تعارضات و اختلافات خانوادگی نشانگر آن است که امروزه زوجین از انتخاب‌های ناخودآگاه خود در گزینش همسرشان و رفتارهایشان آگاهی ندارند. عدم عشق و محبت کافی ممکن است به صورت مشکلات شناختی، اختلالات اضطرابی

1. Pragma
2. Agape
3. Schema
4. Young
5. Dulong
6. Klosko
7. Weishaar

و مشکلات فیزیولوژیکی نمایان شود یا اینکه زمینه را برای گرایش به انحرافات اجتماعی مانند روابط فرازنشویی، عدم تعهد، بی بند و باری جنسی، کاهش رضایت جنسی، اضطراب، افسردگی، شکاکیت، طلاق و اعتیاد فراهم سازد (مسترز و تیلگمن^۱، ۲۰۰۸؛ به نقل از کریمیان، کریمی و بهمنی، ۱۳۹۰). قصه‌های عشق متغیرهای نسبتاً جدیدی هستند و پژوهش‌های اندکی در حیطه خانواده و مسائل مربوط به آن صورت گرفته است که محدود و کلی هستند. به‌منظور ارزیابی دقت پژوهش‌های پیشین و نیز برآورد میزان پیش‌بینی‌پذیری قصه‌های عشق و سبک‌های عشق‌ورزی زوجین از روی طرحواره‌های ناسازگار اولیه، پژوهش حاضر با هدف پاسخگویی به این پرسش که آیا میان طرحواره‌های ناسازگار اولیه و قصه‌های عشق و سبک‌های عشق‌ورزی رابطه‌ی معنادار وجود دارد یا خیر انجام شده است. براین اساس فرضیه‌های پژوهش عبارت‌اند از:

۱. بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با قصه‌های عشق رابطه وجود دارد.
۲. بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با سبک‌های عشق‌ورزی رابطه وجود دارد.
۳. طرحواره‌های ناسازگار اولیه قادر به پیش‌بینی قصه‌های عشق و سبک‌های عشق‌ورزی‌اند.

روش‌شناسی

روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی و همبستگی است. جامعه آماری مورد نظر همه‌ی معلمان متأهل آموزش و پرورش مناطق ۲ و ۵ استان تهران بودند که در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ مشغول به تدریس بودند. حجم جامعه ۱۵۰۰ نفر بوده است. روش نمونه‌گیری پژوهش از نوع نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای است که از میان ۲۱۵ مدرسه در مناطق ۲ و ۵ تهران، ۲۵ مدرسه به صورت تصادفی از هر منطقه و از هر مدرسه ۶ معلم متأهل به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند. به این ترتیب حجم نمونه مورد نظر یعنی ۳۰۰ نفر طبق فرمول کرجسی و مورگان، به‌دست آمده است. در نهایت افرادی که تمایل به همکاری داشتند در پژوهش شرکت کردند و به پرکردن پرسشنامه‌ها مبادرت ورزیدند. ابزارهای سنجش شامل پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه یانگ (۲۰۰۵)، مقیاس قصه عشق استرنبرگ (۲۰۰۱) و سبک‌های عشق‌ورزی لی (۱۹۸۶) بود. برای تحلیل داده‌های گردآوری شده از روش‌های آمار توصیفی و آمار استنباطی، آزمون ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. ملاک‌های ورود آزمودنی‌ها به پژوهش عبارت بودند از:

۱. حداقل ۱۸ سال داشته باشند.
۲. معلم باشند.
۳. طبق گزارش آزمودنی، در حال حاضر به بیماری روانی مبتلا نباشند.
۴. متأهل باشند.

ابزارهای پژوهش

الف) پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه یانگ (SQ-SF)

این پرسشنامه ۷۵ آیتمی را جفری یانگ (۲۰۰۵) برای ارزیابی پانزده طرحواره ناسازگار اولیه ساخته است. این پانزده طرحواره عبارت‌اند از: محرومیت هیجانی، طرد /رهاشدگی، بی‌اعتمادی / بدرفتاری، انزوای اجتماعی، نقص / شرم، شکست، وابستگی / بی‌کفایتی، آسیب‌پذیری نسبت به ضرر و بیماری، گرفتاری / دردناک افتادگی، اطاعت، ایثار، بازداری هیجانی، معیارهای نامنعطف، استحقاق و بزرگ‌منشی، خویش‌تنداری و خودانضباطی ناکافی. این پانزده طرحواره در درون پنج حوزه مطابق باحوزه‌های تحولی اولیه قرار می‌گیرند. ضریب پایایی آلفای کرونباخ نیز برابر با ۰/۸۷ است (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳). هر آیتم روی یک مقیاس ۶ درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود. در این پرسشنامه هر ۵ سؤال یک طرحواره را می‌سنجد. چنانچه میانگین نمره هر خرده‌مقیاس بالاتر از ۳ باشد آن طرحواره ناکارآمد خواهد بود. هنجاریابی پرسشنامه طرحواره یانگ در ایران را آهی و همکاران (۱۳۸۵) انجام داده‌اند. پایایی آن به روش آلفای کرونباخ (۰/۹۱) به‌دست آمده است. در این پژوهش پایایی به‌دست آمده با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۸ بوده است.

ب) پرسشنامه قصه عشق استرنبرگ^۲ (Lss)

این مقیاس را استرنبرگ در سال ۲۰۰۱ مبتنی بر نظریه عشق به مثابه یک داستان و با هدف سنجش قصه عشق زوجین در دو فرم مجزا برای زنان و مردان توسعه داده است و در ایران کرمی و علایی کلجایی (۱۳۸۶) آن را هنجاریابی کرده‌اند. این مقیاس شامل ۱۰۰ سؤال و ۲۵ خرده‌آزمون است. تمامی این قصه‌ها در ۵ عامل اصلی تحت عنوان قصه‌های نامتقارن، موضوعی، مشارکت، روایت‌گونه و گونه‌ای خلاصه می‌شوند. مقیاس به صورت لیکرت ۷ درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود. به این ترتیب که آزمودنی باید برحسب درجه موافقت خود با هر آیتم، براساس مقیاس لیکرت از ۱ تا ۷ نمره بدهد. به‌منظور بررسی روایی مقیاس قصه عشق، کرمی و علایی کلجایی از روش روایی ملاکی استفاده کرده‌اند. درویش‌زاده و پاشا (۱۳۸۹) برای بررسی روایی این پرسشنامه، از ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی همبسته کردن نمره آزمودنیها در پنج خرده‌مقیاس پرسشنامه، با نمره کل استفاده کرده‌اند. میزان آلفای کرونباخ به‌دست آمده برای گروه مردان برابر ۰/۸۹ و برای زنان ۰/۹۰ است. ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۹ به‌دست آمده است (به نقل از گراوند و میرزایی، ۱۳۹۶). در این پژوهش پایایی به‌دست آمده با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای گروه مردان ۰/۸۶ و زنان ۰/۸۸ و برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۸۸ بوده است.

1. Young Schema Questionnaire-Short Form
2. Sternberg Love Story Scale

ج) پرسشنامه سبک‌های عشق‌ورزی لی (IAS)^۱

این پرسشنامه را هندریک و هندریک^۲ بر پایه الگوی «لی» از عشق در سال ۱۹۸۶ ساخته‌اند. مقیاس نگرش‌های مربوط به عشق از ۱۸ گویه و ۶ خرده‌مقیاس شهوانی (۳ سؤال)، تفننی (۳ سؤال)، دوستانه (۳ سؤال)، منطقی (۳ سؤال)، افراطی (۳ سؤال) و گرانددر (۳ سؤال) تشکیل شده است که به‌منظور ارزیابی نگرش‌های مربوط به عشق و وفاداری به‌کار می‌روند. نمره‌گذاری پرسشنامه به‌صورت طیف لیکرت ۵ نقطه‌ای است که برای گزینه‌های «کاملاً مخالفم»، «مخالفم»، «مردد»، «موافقم» و «کاملاً موافقم» به ترتیب امتیازات ۰، ۱، ۲، ۳ و ۴ در نظر گرفته می‌شود. مقادیر آلفا از ۰/۴۹ برای لودوس تا ۰/۷۵ برای استورگ قرار داشت. آلفای کرونباخ آن در سبک عشق‌ورزی رمانتیک ۰/۷۹، در سبک عشق‌ورزی بازیگرانه ۰/۶۸، در سبک عشق‌ورزی دوستانه ۰/۷۲، در سبک عشق‌ورزی واقع‌گرایانه ۰/۷۲، در سبک عشق‌ورزی شهوانی ۰/۷۲ و در سبک عشق‌ورزی فداکارانه ۰/۹۳ به‌دست آمده است (بیات، ۱۳۸۶). در این پژوهش پایایی به‌دست آمده با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای سبک عشق‌ورزی رمانتیک ۰/۷۶، بازیگرانه ۰/۶۶، دوستانه ۰/۷۰، واقع‌گرایانه ۰/۷۱، شهوانی ۰/۷۰ و فداکارانه ۰/۹۱ بوده است.

یافته‌ها

در این پژوهش بیشترین فراوانی متغیرهای جمعیت‌شناختی در سن، مربوط به افراد ۳۱ تا ۴۰ سال، در مقطع تحصیلی مربوط به لیسانس، در جنسیت هر دو یکسان، در مدت زمان ازدواج، افرادی با مدت زمان ۱۱ تا ۲۰ سال و در تعداد فرزند مربوط به افراد با دو فرزند است. بیشترین میانگین و انحراف استاندارد در زنان مربوط به قصه‌های موضوعی به ترتیب برابر ۹۰/۴۲ و ۱۵/۳۶ است و در مردان هم مربوط به قصه‌های موضوعی به ترتیب برابر ۹۴/۳۱ و ۱۸/۸۴ است. بیشترین میانگین و انحراف استاندارد در زنان مربوط به سبک عشق‌ورزی اروس به ترتیب برابر ۸/۹۶ و ۲/۳۱ است و در مردان هم مربوط به سبک عشق‌ورزی اروس به ترتیب برابر ۹/۴۱ و ۲/۰۲ است. بیشترین میانگین و انحراف استاندارد در زنان مربوط به طرحواره عملکرد و خودگردانی مختل به ترتیب برابر ۶۰/۴۵ و ۲۰/۴۶ است و در مردان هم مربوط به طرحواره عملکرد و خودگردانی مختل به ترتیب برابر ۶۱/۰۳ و ۲۲/۷۷ است.

ابتدا ضرایب همبستگی میان هر یک از نمرات حیطه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه با نمره کل قصه‌های عشق و سبک‌های عشق‌ورزی محاسبه و نتایج آن در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

1. Lee Love Attitude Scale
2. Hendrick, C. & Hendrick, S. S.

● فرضیه ۱: بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با قصه‌های عشق رابطه وجود دارد.

جدول ۱. ضریب همبستگی پیرسون میان طرحواره‌ها با قصه‌های عشق

متغیر	طرحواره طردش‌دگی		طرحواره خودگردانی مختل		طرحواره محدودیت‌های مختل		طرحواره توقعات افراطی	
	ضریب همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی	سطح معناداری
قصه نامتقارن	۰/۴۴**	۰/۰۰۱	۰/۳۴**	۰/۰۰۱	۰/۴۱**	۰/۰۰۱	۰/۳۶**	۰/۰۰۱
قصه موضوعی	۰/۲۶**	۰/۰۰۱	۰/۳۰**	۰/۰۰۱	۰/۲۸**	۰/۰۰۱	۰/۰۹	۰/۰۸
قصه مشارکتی	۰/۰۳	۰/۶۰	۰/۰۳	۰/۵۱	۰/۲۵**	۰/۰۰۱	۰/۲۵**	۰/۰۰۱
قصه روایت‌گونه	۰/۱۶	۰/۰۰۵	۰/۰۵	۰/۹۳	۰/۰۴	۰/۴۴	۰/۰۲	۰/۶۹
قصه‌گونه‌ای	۰/۳۶**	۰/۰۰۱	۰/۲۹**	۰/۰۰۱	۰/۴۱**	۰/۰۰۱	۰/۱۹**	۰/۰۰۱

نتایج جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که میان قصه نامتقارن با طرحواره طردش‌دگی، خودگردانی مختل، محدودیت‌های مختل و توقعات افراطی نیز رابطه معنادار وجود دارد. میان قصه موضوعی با طرحواره‌های محدودیت‌های مختل، خودگردانی مختل و طردش‌دگی رابطه معنادار وجود دارد. میان قصه مشارکتی با طرحواره‌های محدودیت‌های مختل و توقعات افراطی رابطه معنادار وجود دارد. میان قصه روایت‌گونه و طرحواره طردش‌دگی رابطه معنادار وجود دارد. در نهایت میان قصه‌گونه‌ای با طرحواره‌های طردش‌دگی، خودگردانی مختل، محدودیت‌های مختل و توقعات افراطی رابطه معنادار وجود دارد.

● فرضیه ۲: بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با سبک‌های عشق‌ورزی رابطه وجود دارد.

جدول ۲. ضریب همبستگی پیرسون میان طرحواره‌ها و سبک‌های عشق‌ورزی

متغیر	طرحواره طردش‌دگی		طرحواره خودگردانی مختل		طرحواره محدودیت‌های مختل		طرحواره توقعات افراطی	
	ضریب همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی	سطح معناداری
سبک عشق‌ورزی اروس	۰/۱۵**	۰/۰۰۹	۰/۰۷	۰/۱۸	۰/۰۷	۰/۱۹	۰/۰۸	۰/۱۶
سبک عشق‌ورزی لودوس	۰/۰۵	۰/۳۱	۰/۱۵**	۰/۰۰۹	۰/۰۳	۰/۵۳	۰/۰۱	۰/۸۸
سبک عشق‌ورزی استورگ	۰/۰۷	۰/۸۰	۰/۱۴*	۰/۶۳	۰/۰۴	۰/۲۶	۰/۰۲	۰/۷۰
سبک عشق‌ورزی پراگما	۰/۰۷	۰/۲۱	۰/۱۴*	۰/۰۲	۰/۰۴	۰/۴۲	۰/۰۲	۰/۶۴
سبک عشق‌ورزی مانیا	۰/۰۳	۰/۳۰	۰/۱۵**	۰/۰۰۱	۰/۱۴*	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۶۸
سبک عشق‌ورزی آگاهانه	۰/۰۸	۰/۱۴	۰/۰۷	۰/۲۳	۰/۰۹	۰/۱۱	۰/۱۷**	۰/۰۰۱

براساس نتایج جدول شماره ۲، میان سبک عشق‌ورزی اروس با طرحواره پردشدگی رابطه معنادار وجود دارد. میان سبک عشق‌ورزی لودوس و سبک عشق‌ورزی پراگما و سبک عشق‌ورزی مانیا با طرحواره خودگردانی مختل رابطه معنادار وجود دارد. میان سبک عشق‌ورزی مانیا با طرحواره محدودیت‌های مختل رابطه معنادار وجود دارد. در نهایت میان سبک عشق‌ورزی آگاه و طرحواره توقعات افراطی رابطه معنادار وجود دارد.

● فرضیه ۳: طرحواره‌های ناسازگار اولیه قادر به پیش‌بینی قصه‌های عشق و سبک‌های عشق‌ورزی هستند.

جدول ۳. خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی قصه‌های عشق و سبک‌های عشق‌ورزی بر مبنای طرحواره‌های ناسازگار اولیه

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	R	R ^۲ تعدیل شده	F	sig	B	Beta	T	Sig
قصه‌های نامتوازن	طرحواره پردشدگی	۰/۵۴	۰/۲۹	۱۳/۶	۰/۰۰۰	۰/۱۸	۰/۲۵	۳/۱۲	۰/۰۰۲
	طرحواره خودگردانی مختل					۰/۰۸	۰/۱۳	۱/۸۱	۰/۰۵
	طرحواره محدودیت‌های مختل					۰/۱۵	۰/۰۹	۱/۳۶	۰/۱۷
	طرحواره توقعات افراطی					۰/۱۷	۰/۱۳	۲/۰۸	۰/۰۳
قصه‌های موضوعی	طرحواره پردشدگی	۰/۴۱	۰/۱۷	۶/۷۴	۰/۰۰۰	-۰/۰۳	-۰/۰۳	-۰/۴۴	۰/۶۵
	طرحواره خودگردانی مختل					۰/۲۵	۰/۳۱	۳/۹۵	۰/۰۰۱
	طرحواره محدودیت‌های مختل					۰/۳۴	۰/۱۷	۲/۲۹	۰/۰۲
	طرحواره توقعات افراطی					-۰/۱۵	-۰/۰۹	-۱/۳۸	۰/۱۶
قصه‌های مشارکتی	طرحواره پردشدگی	۰/۴۰	۰/۱۶	۶/۳۵	۰/۰۰۰	-۰/۲۱	-۰/۳۲	-۳/۶۹	۰/۰۰۱
	طرحواره خودگردانی مختل					۰/۰۵	۰/۰۹	۰/۱۰	۰/۹۱
	طرحواره محدودیت‌های مختل					۰/۴۱	۰/۲۸	۳/۶۴	۰/۰۰۱
	طرحواره توقعات افراطی					۰/۳۰	۰/۲۵	۳/۶۳	۰/۰۰۱
قصه‌های روایت‌گونه	طرحواره پردشدگی	۰/۳۴	۰/۱۱	۴/۰۵	۰/۰۰۰	۰/۱۰	-۰/۴۷	-۵/۳۳	۰/۰۰۱
	طرحواره خودگردانی مختل					۰/۱۰	۰/۱۸	۲/۲۹	۰/۰۲
	طرحواره محدودیت‌های مختل					۰/۳۱	۰/۲۲	۲/۸۰	۰/۰۰۵
	طرحواره توقعات افراطی					۰/۰۸	۰/۰۷	۱/۰۱	۰/۳۱

ادامه جدول ۳.

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	R	R ² تعدیل شده	F	sig	B	Beta	T	Sig
طرحواره‌های گونهای	طرحواره‌های گونهای	۰/۵۵	۰/۳۰	۱۴/۴۰	۰/۰۰۰	۰/۱۰	۰/۱۰	۱/۳۱	۰/۱۹
	طرحواره خودگردانی مختل					۰/۱۰	۰/۲۰	۲/۸۱	۰/۰۰۵
	طرحواره محدودیت‌های مختل					۰/۲۵	۰/۲۰	۲/۹۱	۰/۰۰۴
	طرحواره توقعات افراطی					۰/۰۶	۰/۰۶	۱/۰۰	۰/۳۱
سبک آروس	طرحواره‌های گونهای	۰/۳۲	۰/۱۰	۳/۸۴	۰/۰۰۰	۰/۰۳	۰/۳۳	۳/۷۳	۰/۰۰۱
	طرحواره خودگردانی مختل					۰/۰۱	۰/۰۶	۰/۰۷	۰/۹۳
	طرحواره محدودیت‌های مختل					۰/۰۵	۰/۲۴	۳/۰۰	۰/۰۰۳
	طرحواره توقعات افراطی					۰/۰۱	۰/۰۸	۱/۲۲	۰/۲۲
سبک لودوس	طرحواره‌های گونهای	۰/۲۵	۰/۰۶	۲/۳۱	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۹	۱/۰۶	۰/۲۸
	طرحواره خودگردانی مختل					۰/۰۲	۰/۱۹	۲/۳۰	۰/۰۲
	طرحواره محدودیت‌های مختل					۰/۰۶	۰/۰۲	۰/۲۶	۰/۷۹
	طرحواره توقعات افراطی					۰/۰۱	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۹۷
سبک استوری	طرحواره‌های گونهای	۰/۲۸	۰/۰۷	۰/۷۳	۰/۰۰۴	۰/۰۲	۰/۱۴	۱/۵۳	۰/۰۵
	طرحواره خودگردانی مختل					۰/۰۳	۰/۰۱	۰/۲۰	۰/۸۴
	طرحواره محدودیت‌های مختل					۰/۰۴	۰/۱۱	۱/۳۹	۰/۰۹
	طرحواره توقعات افراطی					۰/۰۶	۰/۰۱	۰/۲۵	۰/۸۰
سبک پراگما	طرحواره‌های گونهای	۰/۳۹	۰/۱۵	۶/۰۶	۰/۰۰۰	۰/۰۵	۰/۴۵	۵/۱۸	۰/۰۰۱
	طرحواره خودگردانی مختل					۰/۰۴	۰/۳۹	۴/۹۶	۰/۰۰۱
	طرحواره محدودیت‌های مختل					۰/۰۱	۰/۰۵	۰/۶۵	۰/۵۱
	طرحواره توقعات افراطی					۰/۰۱	۰/۰۵	۰/۷۴	۰/۴۵

(ادامه) جدول ۳.

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	R	R ^۲ تعدیل شده	F	sig	B	Beta	T	Sig
طرحواره پردشدگی	سبک مانیا	۰/۳۴	۰/۱۱	۴/۳۲	۰/۰۰۰	۰/۰۲	۰/۲۳	۲/۶۳	۰/۰۰۹
طرحواره خودگردانی مختل						۰/۰۳	۰/۲۹	۳/۶۱	۰/۰۰۱
طرحواره محدودیت‌های مختل						۰/۰۴	۰/۱۵	۱/۹۷	۰/۰۴
طرحواره توقعات افراطی						۰/۰۲	۰/۱۰	۱/۴۵	۰/۰۰۵
طرحواره پردشدگی	سبک آگاه	۰/۳۲	۰/۱۰	۳/۷۶	۰/۰۰۱	۰/۰۵	۰/۰۳	۰/۴۲	۰/۶۷
طرحواره خودگردانی مختل						۰/۰۲	۰/۰۱	۰/۲۲	۰/۸۲
طرحواره محدودیت‌های مختل						۰/۰۱	۰/۰۵	۰/۶۲	۰/۵۳
طرحواره توقعات افراطی						۰/۰۲	۰/۱۱	۱/۵۸	۰/۰۰۵

با توجه به نتایج جدول شماره ۳، میزان R^2 برابر با ۰/۲۹ است که نشان می‌دهد، طرحواره‌های پردشدگی، خودگردانی مختل و توقعات افراطی توانسته‌اند قصه‌های نامتقارن را پیش‌بینی کنند. همچنین با توجه به میزان R^2 (۰/۱۷) در متغیر قصه‌های موضوعی طرحواره‌های خودگردانی و محدودیت‌های مختل توانسته‌اند این قصه را پیش‌بینی کنند. با توجه به میزان R^2 (۰/۱۶) در متغیر قصه‌های مشارکتی طرحواره محدودیت‌های مختل توانسته است قصه‌های مشارکتی را پیش‌بینی کند. با توجه به میزان R^2 (۰/۱۱) در متغیر قصه‌های روایت‌گونه طرحواره‌های پردشدگی، خودگردانی مختل و محدودیت‌های مختل توانسته‌اند قصه‌های روایت‌گونه را پیش‌بینی کنند. با توجه به میزان R^2 (۰/۳۰) در متغیر قصه‌های گونه‌ای طرحواره‌های خودگردانی مختل و محدودیت‌های مختل توانسته‌اند قصه‌های گونه‌ای را پیش‌بینی کنند. با توجه به میزان R^2 (۰/۱۰) در متغیر سبک عشق‌ورزی اروس طرحواره‌های پردشدگی و محدودیت‌های مختل توانسته‌اند سبک عشق‌ورزی اروس را پیش‌بینی کنند. میزان R^2 (۰/۰۶) در متغیر سبک عشق‌ورزی لودوس طرحواره خودگردانی مختل توانسته است سبک عشق‌ورزی لودوس را پیش‌بینی کند. میزان R^2 (۰/۰۷) در متغیر سبک عشق‌ورزی استورگ طرحواره پردشدگی توانسته است سبک عشق‌ورزی استورگ را پیش‌بینی کند. میزان R^2 (۰/۱۵) در متغیر سبک عشق‌ورزی پراگما طرحواره‌های پردشدگی و خودگردانی مختل توانسته‌اند سبک عشق‌ورزی پراگما را پیش‌بینی کنند. میزان R^2 (۰/۱۱) در متغیر سبک عشق‌ورزی مانیا طرحواره‌های پردشدگی، خودگردانی مختل و طرحواره محدودیت‌های مختل توانسته‌اند سبک عشق‌ورزی مانیا را پیش‌بینی کنند. همچنین میزان R^2 (۰/۱۰) در متغیر سبک عشق‌ورزی آگاه طرحواره توقعات افراطی توانسته است سبک عشق‌ورزی آگاه را پیش‌بینی کند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داده است که میان طرحواره‌های ناسازگار اولیه و قصه‌های عشق رابطه وجود دارد، بنابراین فرضیه اول تأیید می‌شود. میان طرحواره‌های حوزه‌پردشدگی، خودگردانی مختل، محدودیت‌های مختل و توقعات افراطی با قصه‌های نامتقارن و گونه‌ای همبستگی مثبت معنادار وجود دارد. میان طرحواره‌های محدودیت‌های مختل، پردشدگی و خودگردانی مختل با قصه‌های موضوعی، میان طرحواره‌های محدودیت‌های مختل و توقعات افراطی با قصه‌های مشارکتی، همبستگی مثبت معنادار وجود دارد، در نهایت میان طرحواره پردشدگی و قصه‌های روایت‌گونه، همبستگی مثبت معنادار وجود دارد. یافته‌های پژوهش حاضر به نوعی با پژوهش‌های یانگ و همکاران (۲۰۰۳)، استرنبرگ و همکاران (۲۰۰۱)، ذوالفقاری و همکاران (۱۳۸۷)، آراین‌فر و پورشهریاری (۱۳۹۶) و شریعتمدار (۱۳۹۳) همخوانی دارند. نتایج پژوهش نشان داده است که افرادی که طرحواره‌هایشان در حوزه پردشدگی، محدودیت‌های مختل و توقعات افراطی است، قصه‌های عشقشان از نوع نامتقارن، موضوعی، مشارکتی، گونه‌ای و روایت‌گونه است. افراد در حوزه طرحواره پردشدگی و طرد نمی‌توانند دلبستگی‌های ایمن و رضایت‌بخشی با دیگران برقرار کنند، به همین سبب ممکن است گرایش به قصه‌های نامتقارن از نوع معلم و شاگرد و قصه‌های روایت‌گونه از نوع خیال، داشته باشند. در حوزه دوم یعنی خودگردانی و عملکرد مختل افراد از خودشان و محیط اطرافشان، انتظاراتی دارند که در توانایی آنها برای تفکیک خود و دستیابی به عملکرد مستقل مانع ایجاد می‌کند، از این رو، قصه‌های موضوعی از نوع بازی و بهبودی را در روابط خود دارند. در حوزه محدودیت‌های مختل آنها ممکن است در زمینه احترام به حقوق دیگران، همکاری کردن، متعهد بودن، یا دستیابی به اهداف بلند مدت مشکل داشته باشند و گرایش به قصه‌های مشارکتی از نوع تجارت و قصه‌های نامتقارن از نوع حکومت و زشت‌انگاری داشته باشند. در حوزه چهارم، توقعات افراطی به جای رسیدگی به نیازهای خود در پی ارضای نیازهای دیگران هستند. آنها این کار را برای دستیابی به تأیید، تداوم رابطه هیجانی یا اجتناب از انتقام انجام می‌دهند، از این رو قصه‌های عشق مشارکتی از نوع باغ و باغچه و قصه‌های موضوعی از نوع خانه و خانواده را بازی می‌کنند. نتایج پژوهش حاضر همچنین در فرضیه دوم نشان داده است که میان طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های عشق‌ورزی رابطه وجود دارد. طرحواره پردشدگی تنها با سبک عشق‌ورزی اروس رابطه معنادار دارد. یعنی افراد با طرحواره پردشدگی نمی‌توانند دلبستگی‌هایی ایمن و رضایت‌بخش با دیگران برقرار کنند. چنین افرادی معتقدند که نیاز آنها به ثبات، امنیت، محبت، عشق و تعلق خاطر برآورده نشده است، از این رو در روابط خود تمایل دارند به گونه‌ای نسنجیده و شتابزده عمل کنند و از یک رابطه ناکارآمد به یک رابطه آسیب‌رسان دیگر پناه ببرند. سبک عشق‌ورزی این افراد رمانتیک (اروس) یعنی داشتن میل فیزیکی شدید به معشوق و فاقد تعهد است. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های یانگ و همکاران (۲۰۰۳)، خسروی، سیف و عالی (۱۳۸۶) و برجعلی، مدبیگی و گلشنی (۱۳۹۶) همسو است.

در این میان، بین سبک‌های عشق‌ورزی لودوس، پراگما و مانیا با طرحواره خودگردانی مختل رابطه معنادار وجود دارد. این افراد بر این باورند که حمایت فرد دیگر موجب تداوم زندگی آنها می‌شود، ازین رو احساس پوچی و سردرگمی می‌کنند و به جای اینکه ویژگیهای واقعی طرف مقابل را ببینند از طریق فیلترهایی که مبتنی بر تصاویر ایده‌آل است به عشق می‌نگرند و در نهایت سبک عشق‌ورزی آنها بازبگرانه و همراه با هیجان شدید نسبت به همسر است و تعهدی در آن نیست. میان سبک عشق‌ورزی مانیا با طرحواره محدودیت‌های مختل رابطه معنادار وجود دارد. افراد با طرحواره استحقاق (جزئی از حوزه محدودیت‌های مختل) خود را بیشتر از همسر خود قبول دارند و تفکرات الزام‌آوری در مورد رابطه و همسرشان دارند، از این رو سبک عشق‌ورزی آنان، به شدت هیجانی، همراه با حسادت و مشغولیت ذهنی است. در نهایت میان سبک عشق‌ورزی آگاه با طرحواره توقعات افراطی رابطه معنادار وجود دارد. افراد در این حوزه، با طرحواره ايثار و معیارهای سرسختانه، عشقشان غیرشرطی است و فداکردن خودشان از اولویتهای آنان در سبک عشق‌ورزی است. این نتایج به نوعی با نتایج پژوهشهای یانگ و همکاران (۲۰۰۳)، نبوی حصار و همکاران (۱۳۹۳)، سسرو، نلسون و گیلی^۱ (۲۰۰۴)، رضوی، فاتحی‌زاده، اعتمادی و عابدی (۱۳۸۹)، همخوان است. درنهایت در زمینه پیش‌بینی پذیرای قصه‌های عشق و سبک‌های عشق‌ورزی از روی طرحواره‌های ناسازگار اولیه، یافته‌های پژوهش نشان دادند که درواقع طرحواره‌های پردشدگی، خودگردانی مختل و توقعات افراطی قادر به پیش‌بینی قصه‌های نامتقارن بوده‌اند و طرحواره‌های خودگردانی مختل و محدودیت‌های مختل، قصه‌های موضوعی و گونه‌ای، طرحواره‌های پردشدگی، توقعات افراطی و محدودیت‌های مختل، قصه‌های مشارکتی و همچنین طرحواره‌های پردشدگی، خودگردانی مختل و محدودیت‌های مختل، قصه‌های روایت گونه را توانستند پیش‌بینی کنند. در حیطه سبک‌های عشق‌ورزی طرحواره‌های پردشدگی و محدودیت‌های مختل توانستند سبک عشق‌ورزی اروس، طرحواره خودگردانی مختل، سبک عشق‌ورزی لودوس، طرحواره پردشدگی، سبک عشق‌ورزی استورگ، طرحواره‌های پردشدگی و خودگردانی مختل، سبک عشق‌ورزی پراگما، طرحواره‌های پردشدگی، خودگردانی مختل و محدودیت‌های مختل، سبک عشق‌ورزی مانیا و درنهایت طرحواره توقعات افراطی، سبک عشق‌ورزی آگاه را پیش‌بینی کنند. گرچه پژوهشی مشابه که همسو یا مخالف یافته‌های این فرضیه باشد یافت نشده است، اما این نتایج همسو با نتایج پژوهشگرانی است که در چند مورد به بررسی رابطه بعضی از حیطه‌های طرحواره با سبک‌های عشق‌ورزی و قصه‌های عشق پرداخته‌اند. آربن‌فر و پورشره‌یاری (۱۳۹۶)، در پژوهش خود دریافتند که طرحواره‌ها می‌توانند بر چگونگی رفتار و عشق‌ورزی زوجین اثر بگذارند. نتایج پژوهشهای یانگ و همکاران (۲۰۰۳) نشان داد که در زمینه افرادی که طرحواره رهاشدگی دارند، این افراد از برقراری روابط صمیمانه اجتناب می‌کنند چون می‌ترسند که فرد مورد نظر را از دست بدهند. آنها ممکن است همسری را انتخاب کنند که نمی‌تواند متعهد باشد و رابطه‌ای پایدار برقرار کند تا در نتیجه آن طرحواره آنها نیز تأیید شود. افراد با طرحواره انزوای اجتماعی، برای جبران بی‌کفایتی اجتماعی خود

1. Cecero, Nelson, & Gillie

با افرادی ازدواج می‌کنند که بسیار اجتماعی اند و به آنها وابسته می‌شوند. فردی که طرحواره استحقاق و بزرگ‌منشی دارد ممکن است از موقعیتهایی که عملکردش در سطح متوسط باشد یا برتر نباشد، اجتناب کند (دولانگ، ۲۰۰۷). افراد با طرحواره نقص و شرم با کسانی ازدواج می‌کنند که طرد کننده و انتقادگرند و به آنها علاقه زیادی ندارند، اما این افراد تلاش می‌کنند تا عشق آنها را به‌دست آورند. همسر افرادی که طرحواره اطاعت دارند، فردی مسئول و قابل اعتماد نخواهند بود، لذا خود این افراد باید مسئولیتهای گوناگون را بپذیرند. نتایج پژوهش مطیعی، برجلی و تقوایی (۱۳۹۳) نشان داد که در واقع این طرحواره‌ها هستند که انتظارات افراد در مورد روابط با دیگران را شکل می‌دهند. از این رو طبق فرایند جذابیت طرحواره‌های وقتی که فردی بتواند طرحواره‌های فرد مقابل را فعال کند یعنی قصه‌های آنها مشترک باشد یا به گونه‌ای با یکدیگر همخوانی داشته باشند، آن دو فرد جذب یکدیگر می‌شوند. بنابراین می‌توان طرحواره‌ها را یکی از پایه‌های اساسی شکل‌دهنده قصه‌های عشق دانست.

با توجه به روابط نظری میان طرحواره‌های ناسازگار اولیه با قصه‌های عشق و سبکهای عشق‌ورزی، یافته‌های پژوهش حاضر را می‌توان چنین تبیین کرد: طرحواره‌ها با تأثیری که بر شکل‌گیری قصه‌های عشق و سبکهای عشق‌ورزی می‌گذارند، اثرات خود را روی کیفیت زندگی زوجی و رضایت زناشویی به جا می‌گذارند و مشخص می‌کنند که چه طرحواره‌هایی در افراد سبب شکل‌گیری چه نوع قصه‌های عشق و سبکهای عشق‌ورزی در آنها می‌شوند و براساس آن شریک زندگی خود را انتخاب می‌کنند. اگر این طرحواره‌ها و قصه‌های عشق و در پی آن، سبکهای عشق‌ورزی افراد با طرف مقابلشان در تضاد باشد، زندگی زناشوییشان ناگزیر به عدم رضایت و سردی عاطفی و در نهایت عدم صمیمت و میل و تعهد دو طرف می‌انجامد. از نگاه استرنبرگ (۲۰۱۳)، زمانی که قصه‌های عشق زوجین یا سبکهای عشق‌ورزی آنان با یکدیگر ناهمخوان است، باید با رابطه‌شان را تغییر دهند یا قصه‌هایشان را عوض کنند.

● محدودیتهای پژوهش ●

طرح پژوهش حاضر از نوع توصیفی است که این طرح محدودیتهای خود را دارد و نمی‌توان از آن استنباط علی کرد. تعدد پرسشهای قصه‌های عشق می‌تواند توانایی استنباط قطعی را کاهش دهد. محدود بودن جامعه آماری که تنها معلمان را شامل می‌شد، می‌تواند در تعمیم نتایج پژوهش سوگیری ایجاد کند.

● پیشنهادها ●

پیشنهاد می‌شود که در این زمینه پرسشنامه‌هایی بومی، بر مبنای پژوهش کیفی طراحی و ابداع و ارائه شوند. برای بررسی این گروه از متغیرها می‌توان از سایر متغیرهای تأثیرگذار به روش مدلی بهره برد. پیشنهاد می‌شود این پژوهش روی مشاغل دیگر هم اجرا شود. همچنین با در نظر گرفتن اهمیت موضوع عشق لازم است در سطح خرد و کلان جامعه کلاسهای آموزشی در زمینه چگونگی شناخت همسر، آشنایی با سبکهای عشق‌ورزی و قصه‌های عشق، آموزش برقراری ارتباط مؤثر و آشنایی زوجین با طرحواره‌ها و قصه‌ها و سبکهای عشق‌ورزی خود، پیش از ازدواج اجرا و عملی شود.

- آرین فر، نیره و پورشهریاری، مه‌سیما. (۱۳۹۶). مدل معادلات ساختاری پیش بینی تعارضات زناشویی براساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه حوزه بریدگی و طرد و متغیر میانجی سبکهای عشق‌ورزی. *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی*، ۸ (۲۹)، ۱۰۷-۱۳۴.
- آهی، قاسم. (۱۳۸۵). *هنجاریابی نسخه کوتاه پرسش نامه طرحواره یانگ*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشرنشده، دانشگاه علامه طباطبائی.
- ادیبراد، نسترن و ادیبراد، مجتبی. (۱۳۸۴). بررسی رابطه باورهای ارتباطی با دلزدگی زناشویی و مقایسه آن در زنان متقاضی طلاق و زنان خواهان ادامه زندگی مشترک. *تازه‌ها و پژوهشهای مشاوره*، ۱۳ (۴)، ۹۹-۱۱۰.
- استرنبرگ، رابرت. (۱۳۹۱). *قصه عشق: نگرشی تازه به روابط زن و مرد*، ترجمه علی اصغر بهرامی. تهران: جوانه رشد.
- برجعی، محمود؛ مدیگی، زهرا و گلشنی، فاطمه. (۱۳۹۶). رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبکهای دلبستگی مادران با اختلالات اضطرابی دانش‌آموزان. *فصلنامه خانواده و پژوهش*، ۱۴ (۲)، ۳۱-۴۸.
- بیات، مریم. (۱۳۸۶). *بررسی تأثیر ایماگوترپی (تصویرسازی ارتباطی) بر سبکهای عشق‌ورزی زوجین شهر اصفهان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشرنشده، دانشگاه اصفهان.
- خسروی، زهره؛ سیف، سوسن و عالی، شهربانو. (۱۳۸۶). بررسی رابطه بین نوع فرایند طرحواره‌ای و نگرش به ازدواج. *فصلنامه پژوهش در سلامت روانشناختی*، ۱ (۴)، ۳۱-۴۰.
- درویش‌زاده، سارا و پاشا، غلامرضا (۱۳۸۹). بررسی اثربخشی آموزش پیش از ازدواج بر قصه عشق دانشجویان. *یافته‌های نو در روان‌شناسی*، ۵ (۱۴)، ۵-۲۱.
- ذوالفقاری، مریم؛ فاتحی‌زاده، مریم و عابدی، محمدرضا. (۱۳۸۷). تعیین رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با ابعاد صمیمت زناشویی زوجین شهر اصفهان. *فصلنامه خانواده پژوهی*، ۴ (۳)، ۲۴۷-۲۶۱.
- رضوی، اقدس؛ فاتحی‌زاده، مریم؛ اعتمادی، عذرا و عابدی، محمدرضا. (۱۳۸۹). تعیین رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه با ابعاد نگرش به نحوه انتخاب همسر در دانشجویان دانشگاه پیام نور استان تهران. *فصلنامه فرهنگ مشاوره*، ۱ (۲)، ۴۶-۷۰.
- شریعتمدار، آسیه. (۱۳۹۳). بررسی کیفی آسیب شناسی ازدواج براساس طرحواره‌های ناسازگار و ارضای نیازها. *پژوهشهای مشاوره*، ۱۳ (۵۱)، ۹۶-۱۱۵.
- شکرالله زاده، معصومه و مدنی، یاسر. (۱۳۹۵). نقش سبکهای هویتی و عشق‌ورزی در پیش بینی رضایت زناشویی. *دوفصلنامه آسیب شناسی، مشاوره و غنی سازی خانواده*، ۲ (۱)، ۷۹-۸۹.
- صادقی، مسعود؛ احمدی، سیداحمد؛ بهرامی، فاطمه؛ اعتمادی، عذرا و پورسید، رضا. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر آموزش به شیوه تحلیل رفتار متقابل بر سبک‌های عشق‌ورزی زوجین. *پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری*، ۳ (۲)، ۷۱-۸۴.
- کاکیا، لیدا. (۱۳۸۹). تأثیر مشاوره گروهی مبتنی بر واقعیت درمانی بر بحران هویت در دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی. *مجله اصول بهداشت روانی*، ۱۲ (۴۵)، ۴۳۰-۴۳۷.
- کرمی، ابوالفضل و علایی کلجایی، پروانه. (۱۳۸۶). مقیاس قصه عشق براساس نظریه عشق به مثابه یک داستان. تهران: روانسنجی.
- کریمی، مهسا؛ دنیوی، وحید؛ راه نجات، امیرمحسن و کیانی مقدم، امیرسام. (۱۳۹۶). رابطه معنویت‌گرایی با عشق‌ورزی و

الگوی ارتباطی زوجین. فصلنامه پرستار و پزشک در رزم، ۵(۱۵)، ۴۴-۵۲.

کریمیان، نادر؛ کریمی، یوسف و بهمنی، بهمن. (۱۳۹۰). بررسی رابطه سلامت روان و احساس گناه با تعهد زناشویی افراد متأهل. فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده، ۱(۲)، ۲۴۳-۲۵۶.

گراوند، فرهاد و میرزایی، شهاب. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین سبکهای دلبستگی و رضایت زناشویی دانشجویان: نقش میانجی قصه عشق. مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، ۳(۲)، ۱۳۳-۱۴۹.

گرینبرگ، ملانی. (۱۳۹۳). چند واقعیت علمی درباره عشق، ترجمه علی فیضی. تهران: کتاب سبز (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۱۳).

مجرد، سامان. (۱۳۹۴). بررسی تطبیق قصه عشق زوجین و رابطه آن با رضایت زناشویی در آنها، طبق نظریه قصه عشق / استرنبرگ. پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.

مطیعی، زهرا؛ برجلی، احمد و تقوایی، داوود. (۱۳۹۳). نقش واسطه‌ای قصه عشق در رابطه با طرحواره‌های ناسازگار اولیه و رضایت زناشویی. مجله علوم رفتاری، ۸(۳)، ۲۱۹-۲۲۶.

موسوی، سیده فاطمه و رضازاده، سید محمدرضا. (۱۳۹۳). بررسی نقش نگرش به عشق در پیش‌بینی طلاق عاطفی زنان و مردان متأهل شهر قزوین. مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، ۱۲(۳)، ۱۶۹-۱۸۸.

نبوی حصار، جمیله؛ عارفی، مختار و یوسفی، ناصر. (۱۳۹۳). اثربخشی خانواده درمانی با تأکید بر نظام عاطفی بوون بر سبکهای عشق‌ورزی و صمیمت در زنان. دو فصلنامه مشاوره کاربردی، ۴(۲)، ۸۳-۹۸.

یانگ، جفری. (۱۳۸۷). شناخت درمانی اختلالات شخصیت، رویکرد طرحواره محور، ترجمه علی صاحبی، حسن حمیدپور و محمد نبوی. تهران: آگاه.

- Cecero, H., Nelson, J. D., & Gillie, J. M. (2004). Tools and tenets of schema therapy: Toward the construct validity of early Maladaptive Schema Questionnaire–research version (EMSQ-R). *Clinical Psychology and Psychotherapy*, 11(5), 344-357.
- Dulong, J. (2007). How can I keep from suffocating in a Relationship? *Psychology Today*, 40.
- Hendrick, C., & Hendrick, S. S. (1988). A theory and method of love. *Journal of Personality and Social Psychology*, 50(2), 392-402.
- Neto, F. (2007). Love styles: A cross-cultural study of British, Indian, and Portuguese college students. *Journal of Comparative Family Studies*, 38(2), 239-254.
- Sternberg, R. (2001). *Love is a story: A new theory of relationship*. Oxford University Press.
- _____. (2013). Searching for love. *The Psychologist*, 26(2), 98-101.
- Sternberg, R. J., Hojjat, M., & Barnes, M. (2001). Empirical tests of aspect of theory of love as a story. *European Journal of Personality*, 15(3), 199-218.
- Young, J. E. (2005). *Young Schema Questionnaire– Short Form*. New York, NY: Cognitive Therapy Center.
- Young, J. E., Klosko, J. S., & Weishaar, M. E. (2003). *Schema therapy: A practitioner's guide*. New York: Guilford.